



مجموعه جزوات
رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله)
در باب حوزه و روحانیت

آبروی روحانیت

شماره اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ی رهنمودهای
امام خامنه‌ای (مدظله)



در باب
آبروی روحانیت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در سخنرانی‌های متعددی به تبیین نقش روحانیت در جمهوری اسلامی ایران و الزامات و اقتضائات منش طلبگی پرداخته‌اند. "موسسه وارثین" با همکاری جمعی از طلاب حوزه‌ی علمیه آیت‌الله قاضی (ره) دزفول اقدام به تولید سلسله‌ی جزواتی در این موضوع کرده است که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.
نظرات خود را با ما در میان بگذارید :

Reddawn.blog.ir
Jozveh88.blog.ir
Vareseen.ir

تذکره: لازم به ذکر است که رهنمودهای امام خامنه‌ای از میان سال‌های ابتدایی رهبری ایشان تا سال ۱۳۹۳ بوده و بدیهی است که بعضی از مشکلات مورد اشاره مرتفع گردیده. از طرفی بعضا مطالبی بیان شده که برای خواص و نخبگان حوزه بوده از این روی توجه به مخاطبین دیدارها ضروری است.



آبروی هزار ساله

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

یک وقتی به مناسبتی خدمت امام رسیدیم؛ صحبت راجع به یک روحانی بود که یک تخلفی کرده بود و امام با ما مشورت می کردند که با او چگونه رفتار شود. من به ایشان مفصل گفتم که این پیروزی شما در انقلاب، محصول هزار سال آبروی روحانیت شیعه است - و آلاً چرا باید وقتی یک مرجع به میدان آمد، مردم این طور به دنبالش بیایند و جانشان را فدا کنند، که در نهضت امام بزرگوار ما کردند. هزار سال آبروی شیعه متراکم شد تا به اینجا رسید که یک مرجعی مثل امام بزرگوار ما که جرئت داشت، شجاعت داشت، قابلیت داشت، روح فداکاری و آگاهی به زمان داشت، پا بگذارد وسط میدان، و مردم هم به دنبالش بیایند - حالا بعضی از این هم لباسهای ما مثل موریانه‌ای که در یک بنایی بیفتد، دارند این آبروی هزارساله را ذره ذره می خورند و از بین می برند؛ ایشان هم این معنا را تصدیق کردند. واقع قضیه همین است. باید مراقب باشیم ما جزو آن موریانه‌ها نباشیم. خدای نکرده هر عمل زشت و وقیح و یک کار نامناسبی که از یکی از ماها سربرزند، رخنه‌ای در آن ذخیره‌ی ارزشمند هزار ساله‌ی روحانیت و علمای شیعه است.

اثری مثل انقلاب

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

بنده مکرر عرض کرده‌ام که ما نباید خیال کنیم آبروی نسل فعلی روحانیت موجب این شد که مردم به سمت انقلاب اسلامی گرایش پیدا کنند. نه؛ این اشتباه است. بلکه آبروی هزار ساله‌ی روحانیت، که یک ذخیره‌ی تمام نشدنی بود، موجب این پیروزیها و موفقیتها گردید. این آبروی هزارساله، عبارت است از آن اعتباری که در طول قرنهای متمادی، از علم و تقوای علمای بزرگ به دست آمده است. یعنی علامه‌ی حلی در این مجموعه نقش دارد؛ محقق نقش دارد؛ مجلسی نقش دارد؛ شهیدین نقش دارند، شیخ طوسی نقش دارد، سید مرتضی نقش دارد؛ شیخ انصاری نقش دارد؛ علمای بزرگ در قرنهای متمادی در نجف نقش دارند؛ بزرگان قم نقش دارند؛ مرحوم حاج شیخ نقش دارد، و مرحوم آقای بروجردی نقش دارد. یعنی هزاران انسان برگزیده، عمرهایشان را به طهارت و تقوا گذراندند، مجموعه‌های علمی سطح بالا به وجود آوردند و آثار علمی ارائه دادند، تا بتدریج یک جامعه و یک ملت را به روحانیت - به صورت بنیادین - معتقد کردند. این نیست که عده‌ای؛ مردم یک عهد و زمان و نسلی، کسی را بخواهند، اما نسل بعد نخواهند. وقتی که محبتی، بنیادی و عمیق

آبروی هزار ساله‌ی

روحانیت ، که یک

ذخیره‌ی تمام نشدنی

بود ، موجب این

پیروزی ها و موفقیت

ها گردید.



اینها از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد و در تعلیمات پدران، در تربیت مادران، در نوازش مربیان و در لالایی دایه‌ها برای کودکان، خودش را نشان می‌دهد. اعتقاد به روحانیت در جامعه‌ی ما، بنیادین بوده و هست.



شد، به مثابه‌ی خصال انسانی، از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. مثل محبت حسین بن علی علیه الصلوة والسلام، یا محبت اهل بیت علیهم الصلوة والسلام. اینها خصوصیتی نیست که یک نسل داشته باشد و نسل دیگر بخواهد تحصیل کند. نه؛ اینها تحصیل کردنی نیست. اینها از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد و در تعلیمات پدران، در تربیت مادران، در نوازش مربیان و در لالایی دایه‌ها برای کودکان، خودش را نشان می‌دهد. بنیادین شدن یک موضوع به این معناست و اعتقاد به روحانیت در جامعه‌ی ما، بنیادین بوده و هست.

وقتی چنین چیزی وجود دارد و چنین اثری مثل انقلاب بر آن مترتب است، پیداست که دو حادثه‌ی بزرگ مورد

انتظار است. انقلاب هم که شوخی نیست! تشکیل جمهوری اسلامی که شوخی نیست! این، یعنی تهدید همه‌ی قدرتمندان و قلدراه‌های دنیا! پیروزی انقلاب یعنی بیدار شدن یک میلیارد و اندی مسلمان، از خواب چند صدساله. این، یعنی ناگهان در همه‌ی کشورهای اسلامی، جمعی از روشنفکران مسلمان و دانشمندان و توده‌ی مردم بلند شوند، مشتها را گره کنند و شعار احیای اسلام را مطرح نمایند. پیروزی انقلاب یعنی اینها! پیروزی انقلاب این نیست که چهار افسر، دست به کودتای نظامی بزنند؛ دولتی را ببرند؛ یکی دیگر را بیاورند؛ بعد هم عده‌ای دیگر بیایند آن دولت را ببرند و دیگری را بیاورند! قضیه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی که این گونه نیست! پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی برافراشته شدن پرچمی که قدرتمندان دنیا برای پایین کشیدن آن، زحمت بسیاری کشیده بودند؛ پول بسیاری خرج کرده بودند؛ تدبیرهای بسیاری اندیشیده بودند؛ انسانهای بسیاری را کشته بودند و خیلی کارها کرده بودند. ناگهان انقلاب اسلامی پیروز شد و با پیروزی آن، همه‌ی نقشه‌های قدرتمندان باطل گردید. همه آن قدرتمندان، معطل و سرگردان شدند و منافعشان مورد تهدید قرار گرفت. این است معنای پیروزی انقلاب اسلامی.

لذا، وقتی که این آبرو و این سرایت دین و روحانیت در بین مردم، چنین اثر بزرگی می‌تواند داشته باشد، پس دو موضوع بزرگ، مورد توقع است: یکی این که ما، اعقاب آن اسلاف مطهر و عالم و مقدس، باید آبروی آنها را حفظ کنیم. به خاطر این که اگر این کار انجام نگیرد و این نسل، آبروی گذشتگان را حفظ نکند، همان چیزی که نهادین و بنیادین شده بود، بتدریج زایل خواهد شد و از بین خواهد رفت. این، طبیعت قضیه است. حال به چه نحو باید آبرویشان را حفظ کنیم؟ این خود داستان مفصلی است.

چگونه این آبرو را حفظ کنیم؟

اولاً آنها عالم بودند؛ ما هم باید سعی کنیم علم آنها را پیش ببریم. علم آنها میراث بزرگ و مهمی است. چهار نفر آدم که درکی از مسائل حقوقی و فقهی اسلام، یا از فلسفه‌ی اسلامی، یا از کلام اسلامی ندارند - ولو صورتاً در رشته‌ای تبحری داشته باشند - اگر اهانت و تحقیر می‌کنند، به اینها نگاه نکنید. فقه اسلام و در میان فقه اسلام، فقه شیعه، از لحاظ پیشرفته‌ها و دقت‌های عالمانه برای کسانی که اهل فن و فهمند، موضوع شگفت‌آوری است. شوخی نیست که انسانی مثل صاحب جواهر بنشیند، یک دوره فقه را از اول تا به آخر، با آن همه دقت و تحقیق، به تنهایی بنویسد و یک دایرةالمعارف را به تنهایی در حقوق اسلامی پدیدآورد! این، به معجزه اشبه است. همین طور است شیخ انصاری. همین طور است صاحب ریاض. همین‌طورند بقیه‌ی علمای بزرگ، از متقدمین و متأخرین. شیخ مفید دویست تألیف دارد. علامه‌ی حلی نزدیک به سیصد تألیف دارد. خواجه نصیرطوسی یک‌طور دیگر. شیخ طوسی یک‌طور دیگر. اینها، برای کسانی که اهل فن اند، خیلی حرف و معنی دارد. البته اگر یک آدم جاهل و بی‌معلومات و نادان، در جایی مشغول گردن کلفتی باشد و یک حقوقدان بزرگ از آن‌جا عبور کند، برای او با یک نفر آدم بی‌سواد فرقی ندارد. اگر یک پزشک بزرگ از آن‌جا عبور کند، برای او با یک آدم نادان یکسان است. تشخیص او که ملاک نیست؛ تشخیص اهل فن ملاک است. علم شیعه، علم والایی است که از حیث کمی و کیفی خیلی زیاد و خیلی بزرگ است. نگاه نکنید به کسانی که می‌ایستند و تحقیر می‌کنند و می‌گویند که "علمای شیعه کاری نکردند". شما نمی‌فهمید که چه کار کردند. "سخن شناس نئی جان من، خطا این‌جاست." این‌طور نیست که هرکس بتواند جایی بایستد و به میزان، نقدی بگذارد که خودش اهلس نیست. این که روش علما نیست؛ روش سفهاست.

علم آنها زیاد بوده است. جامعه‌ی علمی امروز اگر بخواهد آن میراث را گرامی بدارد و آن آبرو را حفظ کند، باید در علم جلو برود و پیشرفت پیدا کند. حوزه‌های علمیه در یک میدان و علمای در غیر حوزه‌های علمیه، در میدان دیگر. فرض بفرمایید که شما در رشته وعظ و تبلیغ تلاش می‌کنید. بسیار خوب؛ گفته‌ها و گفتارها باید عالمانه باشد. از سخن سست باید پرهیز شود. از منبر بی‌مطالعه باید اجتناب شود. بهترین گفته‌ها و آخرین گفته‌های جدید درباره‌ی مسائل اسلامی، باید دانسته شود. البته ممکن است چهار منبر کمتر برویم؛ اشکال ندارد. انسانی که خوب بخواهد بگوید، ناچار است کمتر بگوید: "لاف از سخن چو در توان زد - آن خشت بود که پر توان زد." اگر درس را بخواهیم پیدا کنیم، البته باید زحمت

علم آنها زیاد بوده

است. جامعه‌ی علمی

امروز اگر بخواهد آن

میراث را گرامی بدارد

و آن آبرو را حفظ کند،

باید در علم جلو برود و

پیشرفت پیدا کند.



علماء هم مثل بقیه ی مردم، باید از تمتعات معمولی زندگی بهره ببرند؛ همان گونه که خداوند درباره ی پیغمبر فرمود: **”قل انما انا بشر مثلكم.“** اما این دو چیز، حرص به دنیا و عدم تورع از حرام ممنوع است.



بکشیم؛ چاره‌ای نیست. آن کس که فرضاً در دانشگاهها مشغول تبلیغ و کار مخصوص روحانی است یا در ارتش و یا در سپاه مشغول تلاش روحانی است، باید نیاز فکری آن مجموعه و مخاطبین خودش را هوشمندانه و زیرکانه بشناسد. باید ببیند مخاطب او چه عقده و ابهام و سؤال در ذهن دارد؛ ولو به زبان نیاورد. باید عالمانه آن مشکل را حل کند. اگر می‌تواند، خودش حل کند و اگر نمی‌تواند پیش عالمتر از خودش برود و مشکل را حل کند. این گونه است که سطح علم بالا می‌رود. هر کس در هر جایی که مشغول است - ولو مشاغلی که مستقیماً به کار علم و درس و تحصیل ارتباطی ندارد؛ مثل مشاغل قضایی - باید به این مسائل توجه کند. البته مشاغل قضایی، عالمانه است؛ اما به کار تحصیل و پیشرفت علمی، به طور مستقیم ارتباطی ندارد. یکی قاضی است؛ حقوقدان اسلامی است؛ باید به دقت کار و تلاش کند تا حکم واقعی الهی را در مورد آن واقعه و حادثه بیابد.

این، در باب علم. در باب قدس و تقوا هم معلوم است دیگر؛ عالمی که حرص به دنیا داشته باشد مردود است. عالمی که از محرمات اجتناب نداشته باشد، مردود است. نه این که عالم نباید از تمتعات زندگی بهره برد؛ اما مراتبی هست که انسان در آن مراتب، باید حقاً و انصافاً از تمتعاتی چشم‌پوشد. علماء هم مثل بقیه‌ی مردم، باید از تمتعات معمولی زندگی بهره ببرند؛ همان گونه که خداوند درباره‌ی پیغمبر فرمود: **”قل انما انا بشر مثلكم.“** اما این دو چیز - حرص به دنیا و عدم تورع از حرام - ممنوع است. این که حرص به دنیا در عالم احساس شود - ولو به حسب ظاهر فعل حرامی هم نکنند؛ اما همین‌طور از چپ و راست دنبال این باشد که بتواند مال دنیا را جمع کند - ضدِ قدس است. یا این که خدای نکرده تورع از حرام نداشته باشد و دیده شود که برایش غیبت کردن آسان است، دروغ گفتن آسان است، و خدای نکرده ارتکاب بعضی از محرمات گوناگون آسان است. پس، این نسل موظف است چه از راه علم و تداوم رشته‌ی علمی و پیشرفت علمی و چه از لحاظ حفظ اعتبار تقوایی و قدسی، آبروی اسلاف را حفظ کند.

کسانی که می‌خواهند جمهوری اسلامی را بی‌آبرو کنند، اگر شده است تهمت می‌زنند و دروغ درست می‌کنند تا قدس و علم روحانیت را ضایع کنند. اینها خبرهای دروغ می‌دهند، حوادث دروغ جعل می‌کنند و موضوع کوچکی را بزرگ می‌کنند، برای این که آبروی روحانیت را در نظر مردم ببرند. پیداست این آبرو برای آنها خیلی اهمیت دارد. می‌دانند که اگر این آبرو باشد یا نباشد چقدر تفاوت دارد. بعضی نیز همین را فرموله می‌کنند، لباس علمی و بحث استدلالی به آن می‌پوشانند - گویا بحث علمی می‌کنند - که **”بله؛ در حوزه‌ی علمیه، علم و تقوا نیست!“** نه آقا؛ انصافاً تقوا و قدس، در بین این قشر، به نسبت، از همه‌ی

قشرهای دیگر بیشتر است. شما نگاه کنید ببینید این طلاب حوزه‌ی علمیه، درآمد و حقوقشان چقدر است؟ امروز بیشترین حقوق حوزه‌ای یک طلبه‌ی فاضل - نه طلبه‌ای که امروز وارد حوزه شده؛ آن هم حوزه‌ی قم که بالاترین حوزه‌هاست - که زن و چند بچه دارد و سالها درس خوانده است، از متوسط حقوق کارگران و کارمندان این کشور به مراتب کمتر است. یعنی از نصف هم کمتر است. نصف متوسط حقوق کارگران از همه‌ی حقوق یک طلبه‌ی فاضل ما در حوزه‌ی علمیه‌ی قم - حالا مشهد را نمی‌گوییم؛ اصفهان را نمی‌گوییم؛ شهرهای کوچک را نمی‌گوییم؛ قم را می‌گوییم که مرکز است - بیشتر است! اما درعین حال، با تقوا و طهارت زندگی می‌کند. خوب، قدس یعنی چه؟ ورع یعنی چه؟ بی‌اعتنایی به دنیا یعنی چه؟ یعنی همین. البته آدمهای ناباب هم هستند؛ آدمهای قالتاق هم همه جا هستند. اما اکثریت و شکل غالب در میان طلاب همین است که ما مشاهده می‌کنیم. این برجستگی‌هاست که اگر در طول سالهایی که طلبه مشغول انجام مسؤولیتهاست در او باقی بماند، واقعاً علو مقام و علو درجه است.

این، آن حادثه و مطلب اول که قشر روحانی باید خودش به فکر خودش باشد؛ به فکر آن ذخیره باشد؛ به فکر آن آبرو باشد. قاعدتاً هم هست؛ اما می‌شود بر آن آبرو افزود؛ همچنانی که امام بزرگوار ما، آن هم بر آبروی هزار ساله‌ی روحانیت افزود. امام، آبروی روحانیت را از زمان شیخ مفید تا امروز - هرچه بود - مضاعف کرد و بالا برد. قدرت روحانیت را در مقابله با بدیها و ظلم و جور نشان داد؛ که یک عالم چگونه می‌تواند وارث موسی و عیسی و ابراهیم علیهم السلام و پیغمبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد. اف بر کسانی که قدر این نقش عالی آن بزرگوار را نمی‌دانند و خیال می‌کنند نسبت به روحانیت، دلسوز یا علاقه‌مندند! اف بر جهالت و بر غفلت اینها، که چطور نمی‌دانند و نمی‌فهمند ارزیابی صحیح چگونه است!؟

تبلیغ ضد روحانیت

بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه
فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده‌اند و بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه‌ای پاک و سالم و قابل اعتماد می‌دانند. می‌بینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده می‌کند. دشمن می‌فهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه‌ی تلاششان این است! تبلیغات می‌کنند، دروغ می‌گویند، اگر مسأله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ می‌کنند و برای این که

دشمن می‌فهمد که

باید روحانیت را در

چشم مردم، از حیثیت

و اعتبار انداخت.

همه‌ی تلاششان این

است! تبلیغات

می‌کنند، دروغ

می‌گویند، اگر مسأله

کوچکی را در جایی

پیدا کنند، چندین برابر

بزرگ می‌کنند.



روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خوبیها و گذشتها و فداکاریها را نمی‌گویند. علم و دانش روحانیت را انکار می‌کنند و تقوای آنها را منکر می‌شوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها می‌شد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام می‌گیرد. اینها مجموعه کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.

حداکثر استفاده

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان بوشهر ۱۳۷۰/۱/۱۱

علمای اسلام - بخصوص علمای شیعه در ایران - ذخیره‌ی عظیمی از حیثیت عمومی به وجود آوردند، که آن ذخیره توانست این انقلاب را به پیروزی برساند. اگر کسی خیال کند که این انقلاب عظیم با آن قدرت روحی و آن صلابت معنوی امام - که آن طور که ما دیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم، در هزاران هزار انسان، یکی آن طور پیدا نمی‌شود - بدون آن اعتقاد معنوی عمیق مردم ایران به علما - که این ذخیره، همین اعتقاد است - ممکن بود با همان رهبری پیروز بشود، مطمئن باشید اشتباه کرده است. اگر آن ذخیره‌ی ایمان عمیق نسلهای پی‌درپی نمی‌بود، هیچ دستی نمی‌توانست به صورت خلق الساعه چنین انقلابی را به وجود بیاورد و به پیروزی برساند.

امام، یکی از همان سلسله‌ی اطیاب بود؛ یکی از همان کسانی بود که خود بر این ذخیره، سهم بسیار عظیمی را اضافه کرد؛ به روحانیت و به رهبران اسلامی آبرو داد؛ اما از آن ذخیره، این بزرگوار حداکثر استفاده را در جای خود و به نحو صحیح انجام داد.

هزار سال سابقه‌ی خوب

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

من یک وقت خدمت امام عرض کردم که در این انقلاب و در پیروزی آن، تمام ذخیره‌ی آبروی هزارساله‌ی روحانیت به کار آمد. این طور نبود که فقط روحانیت نسل حاضر و شخص امام بزرگوار (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) به تنهایی این کار را کرده باشند. آن آبرویی که امام ما پیدا کرد، ناشی از هزار سال سابقه‌ی خوب علمای شیعه در بین مردم بود. شیخ طوسی و سید مرتضی و علمای بزرگ فیما بین آن دوره تا دوره‌ی ما، هر کدام قطره‌یی بر این ظرف آبرو و حیثیت روحانیت شیعه اضافه کردند. مجموع این آبرو به

امام^(ع)، یکی از همان سلسله‌ی اطیاب بود؛ یکی از همان کسانی بود که خود بر این ذخیره، سهم بسیار عظیمی را اضافه کرد؛ به روحانیت و به رهبران اسلامی آبرو داد.

کار آمد، تا این انقلاب پیروز شد. ایشان این حرف را تصدیق فرمودند.

ذخیره‌ی هزار ساله

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۹/۱۲/۲۲

آنچه امروز در صحنه‌ی جمهوری اسلامی به وسیله‌ی روحانیت ظهور کرده است، نمی‌شود آن را به حساب روحانیون زمان و عصر ما گذاشت و گفت روحانیون این زمان، این هنر را کرده‌اند. این طور نیست. آنچه روحانیون این زمان انجام دادند، استفاده‌ی خوبی بود که از ذخیره‌ی هزارساله‌ی آبروی روحانیت کردند. روحانیت شیعه، در طول هزار سال به مرور دهور، گنجینه‌ی عظیمی از آبرو و حیثیت و وزانت به وجود آورده بود و در عصر ما، آن بزرگمرد عظیم‌الشان، آن امام بزرگوار و شخصیت استثنایی و دیگر کسانی که در کسوت روحانیت بودند و در این راه حرکت کردند، از آن گنجینه بهترین استفاده را کردند.

اما این طور نیست که این ذخیره تمام‌نشده‌ی باشد. اولاً باید این ذخیره حفظ شود، ثانیاً بر آن افزوده گردد. اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهی‌ها، غفلت‌ها، وقت‌شناسی‌ها، وظیفه‌شناسی‌ها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌ی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و مترقیان به زی‌علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

راز نفوذ کلام

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۹/۱۲/۲۲

اگر خدای نکرده بر اثر

بی توجهی‌ها، غفلت

ها، وقت‌شناسی‌ها،

وظیفه‌شناسی‌ها و

منحرف شدن از خط

معمولی روحانیت در

طول هزار سال، آن

ذخیره‌ی هزارساله

آسیب ببیند...

روحانی، آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان بدهد به زخارف دنیا بی‌اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیاداران و دنیامداران حاکم است، بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. روحانیت، در سایه‌ی پارسایی بود که این حیثیت و آبرو را پیدا کرد. این پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا و به زخارف، باید حفظ شود.

علمای اسلام و زمینه سازی انقلاب اسلامی

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۴۸/۰۵/۱۱

من دو سه سال پیش، به مناسبتی خدمت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) رسیدم تا پیشنهادی را در میان بگذارم. به ایشان عرض کردم که به اعتقاد من، پیروزی این نظام، فقط به آبروی روحانیتِ زمان ما انجام نگرفت؛ بلکه آن سرمایه‌ی بی که ما خرج کردیم تا این انقلاب - که واقعاً معجزه بود - به پیروزی برسد، عبارت از آبروی ذخیره و نقد روحانیت شیعه، از زمان شیخ کلینی و شیخ طوسی تا زمان ما بود. امام هم در آن روزی که این مطلب را عرض کردم، مطلب را تلقی به قبول کردند، معلوم بود که نظر شریف خود ایشان هم همین می‌باشد و این واقعیتی است.

ما اگر آن ریشه‌ی تاریخی را نداشتیم، مردم آن محبت و اعتماد را به ما نداشتند و به اشاره‌ی روحانیت حرکت نمی‌کردند؛ به طوری که ببینند و جان و فرزندانشان را در راهی قربانی کنند. مگر آسان است؟ آن پشتوانه و ذخیره وجود داشت و حالا هم در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده است.

تلاش روحانیت برای انحراف روحانیت

بیانات در مراسم بیعت طلاب و روحانیون ۱۳۴۸/۰۴/۰۴

سعی استعمار در تمام عالم اسلام این بود که یا علمای دین را از بین ببرد و از صحنه خارج کند، و یا این که هویت واقعی آنها را مخدوش و بی‌خاصیت کند. در بعضی از کشورها، جامعه‌ی روحانیت، محدود به یک مرکز و دفتر کوچک شد که برخی از کارهای نه چندان مهم را انجام می‌داد و با زندگی روزمره‌ی مردم ارتباطی نداشت و فرد روحانی حتی نمی‌توانست به تعلیم دین مبادرت ورزد.

در جوامعی که نابودی روحانیت ممکن نبود، سعی می‌کردند این قشر را به قدرتها و دربارهای فاسد و حکومت‌های جایر وابسته کنند. آخوندهای وابسته‌ی درباری که این همه در بیانات امام عزیز از آنها به بدی و نفرت یاد می‌شد، به اسلام و مسلمین خیلی خیانت کردند. امام سجاد(ع) به یکی از اشخاص نام‌آور زمان خود فرمود: "می‌بینم گردن خودت را برای ستمگران محور آسیاب قرار دادی، تا آنها مظالمشان را بر گرد محور گردن تو بگردانند و با تکیه به تو، به مردم ظلم کنند". آن عالمی که توجیه‌کننده‌ی ظلم دستگاه‌های فاسد باشد، از خود آن دستگاهها خطرناکتر است. آن روحانیتی که مبتنی بر اهداف استکبار

روحانی، آن وقتی
سخن نافذ خواهد
داشت که عملاً نشان
بدهد به زخارف دنیا
بی‌اعتناست و آن
حرصی که بر دل‌های
دنیاداران و دنیامداران
حاکم است، بر او حاکم
نیست.

عمل کند، زشت‌ترین و پلیدترین ایادی او به حساب می‌آید؛ چون با ظاهر حق، باطن باطل را ترویج می‌کند.

استکبار سعی کرد با پول و تطمیع و فشار، در طول نزدیک به دو قرن، این پدیده‌ی خطرناک را در کشورهای اسلامی رواج دهد. البته در این راه کاملاً هم موفق نبود؛ به خاطر این که در تمام دنیای اسلام - مخصوصاً ایران - جامعه‌ی روحانیت در مواضع حق و قاطع خویش ایستاد و در ایران انقلاب عظیم را به راه انداخت و نظام مرتفع جمهوری اسلامی را به وجود آورد و پرچم اسلام را در دنیا برافراشت و این دین را عزیز کرد.

اگر روحانیت در کشور ما جلودار این قضیه نبود، نهضت همه‌گیر نمی‌شد و نیروها در راه اسلام به کار نمی‌افتاد. در دنیای اسلام هم علمایی را می‌شناسیم که در سخت‌ترین شرایط و دشوارترین فشارها، حق گفتند و دنبال آن حرکت کردند. اینها کسانی بودند که به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی و امام(ره) و انقلاب، فشارهای سختی را در کشور خود تحمل کردند. یقیناً این افراد، جزو بندگان صالح خدا هستند و پرچمی را به اهتزاز در آوردند که آبروی روحانیت را حفظ کرد.

کسانی هم هستند که نقطه‌ی مقابل اینها عمل کردند و ضرر زیادی به اسلام زدند. اینها وسیله‌ی توطئه و نفوذ و تبلیغات دشمن هستند. مردم مسلمان دنیا باید از شر آنها به خدا پناه ببرند و آنها را "الدّ الخصام" مفاهیم و ارزشهای اسلامی بدانند.

در جوامعی که نابودی روحانیت ممکن نبود، سعی می‌کردند این قشر را به قدرتها و دربارهای فاسد و حکومت‌های جایر وابسته کنند. آخوندهای وابسته‌ی درباری که این همه در بیانات امام عزیز از آنها به بدی و نفرت یاد می‌شد، به اسلام و مسلمین خیلی خیانت کردند.

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌ی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستیم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیّاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

از همین جزوات:

۱. آبروی روحانیت

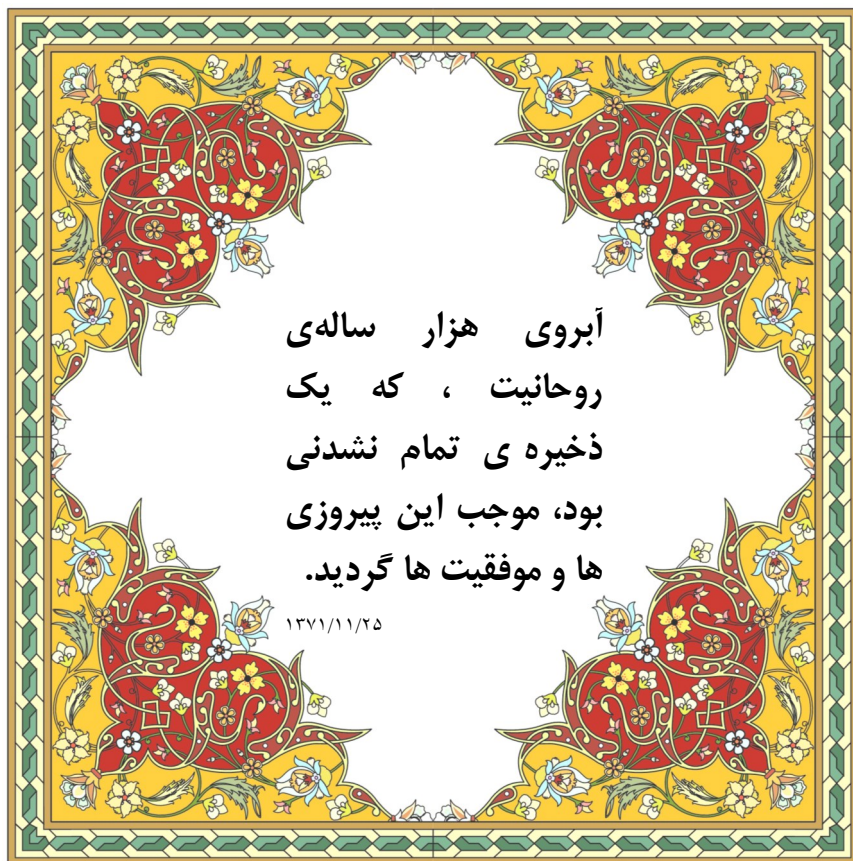
۴. تحول در حوزه

۲. منش طلبگی

۵. استعداد‌های ناشناخته‌ی حوزه

۳. اسلام منهای روحانیت

jozveh88.blog.ir



وارثین؛ مرکز توزیع محصولات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛

دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه‌ی شهدا، روبروی مسجد

لب خندق، تلفن: ۰۶۴۱۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

Vareseen.ir